

به جوانها توصیه میکنم شیوه‌های پیشکسوته‌ها را بکلی کنار نگذارند؛ دست نکشند. من با نوآوری موافقم؛ نوآوری هیچ اشکالی ندارد؛ اما اگر بخواهید در این نوآوری کمال پیدا کنید، بایستی این نوآوری در امتداد شیوه‌ی گذشتگان باشد.

هر کس که چشمش در راه ما گریان شود، به خاطر خونی که از ما ریخته شده است، یا حقی که از ما گرفته‌اند، یا آبرویی که از ما یا یکی از شیعیان ما برده و هتک حرمت کرده‌اند، خدای متعال به همین سبب، او را در بهشت جاودان، برای ابد جای می‌دهد.

فرهنگ نامه

شهر محرم ۱۳۹۲

این کتاب را به یاد و درخت

صیدکما زرد و خون حسن

آداب عزاداری

مسئله امروز اسلام

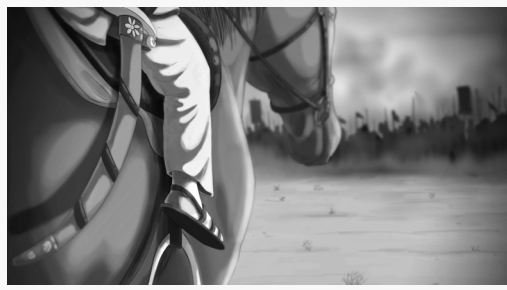
فلسطین

شهید مطهری (ره) و الله و بالله ما در این قضیه (فلسطین) مسئولیم. به خدا قسم مسئولیت داریم. به خدا قسم ما غافل هستیم. والله قضیه ای که دل پیغمبر اکرم را امروز خون کرده است، این قضیه است. داستانی که دل حسین بن علی را خون کرده، این قضیه است. اگر می خواهیم به خودمان ارزش بدهیم، باید فکر کنیم که اگر حسین بن علی امروز بود و خودش می گفت برایم عزاداری کنید، می گفت چه شعاری بدهید...؟ اگر حسین بن علی بود می گفت: اگر می خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزنی، شعار امروز تو باید فلسطین باشد، شمر امروز موشه دایان است. شمر هزار و سیصدسال پیش مرد، شمر امروز را بشناس. سه چیز باید در مجالس عزاداری وجود داشته باشد: ۱. محبت ۲. ایجاد معرفت ۳. افزایش معرفت

کتاب حماسه حسینی

قاسم بن الحسن (ع)

ماه پاره مجتبی (ع) در میدان



قاسم بن الحسن (ع)

به عزم جهاد قدم به سوی معرکه نهاد، چون حضرت سیدالشهداء (ع) نظرش بر فرزند برادر افتاد، پیش آمد و دست به گردن قاسم در آورد و او را در بر کشید و هر دو تن چندان بگریستند که در روایت وارد شده حتی غشی علیهما، پس قاسم گریست و دست

و پای عم خود را چندان بوسید تا اذن ورود به معرکه حاصل نمود، پس جناب قاسم (ع) به میدان آمد و کارزار سختی نمود و به آن صغر سن و خردسالی سی و پنج تن را به درک فرستاد. حمید بن مسلم گفته که من در میان لشکر عمر سعد بودم پسری دیدم که به میدان آمده گویا صورتش پاره ماه است و پیراهن و ازاری در برداشت و نعلینی در پا داشت که بند یکی از آنها گیسخته شده بود و من فراموش نمی کنم که بند نعلین چپش بود، عمرو بن سعد از دی گفت: به خدا

سوگند که من بر این پسر حمله می کنم و او را به قتل می رسانم. پس اسب برانگیخت و رو برنگردانید تا آنگاه که شمشیری بر فرق آن مظلوم زد و سر او شکافت پس قاسم به صورت بر روی زمین افتاد و فریاد برداشت که یا عماء... امام حسین (ع) بر بالین ایشان فرمودند: سوگند با خدای که دشوار است بر عم تو که او را بخوانی و اجابت نتواند و اگر اجابت کند اعانت نتواند و اگر اعانت کند ترا سودی نبخشد، دور باشند از رحمت خدا جماعتی که توراکشند.

آفات عزاداری

دروغ و مبالغه

از آفات عزاداری

دروغ، چرا مداح یا واعظ ما دروغ بگوید؟ مگر مردم نمی فهمند دروغ را؟ روحانی یا یک مداح می گفت، زهری که امام حسن خورد اگر به کوهها می ریختند کوهها تکه تکه می شد، یک نفر گفت آقا این زهر اول در کوزه بود چطور کوزه تکه تکه نشد؟ ببینید، دروغگو رسوا می شود. شما بگو زهر کارساز، چه کار داری که کوهها تکه تکه می شود؟ یک جای دیگر روضه بودم، سیصد نفر ریختند حضرت زهرا را زدند، گفتم بر پدر دروغگو صلوات، آخر سیصد نفر چطور زدند، آخر من حالا بلا تشبیه حضرت زهرا، خوب یک نفر می زند، آن یکی از پشت می زند، سومی هم دستش دراز می شود ببرد پائین، اصلا نه نفر بیشتر نمی توانند آدم را بزنند، آخر سیصد نفر چهل متر راه می خواهد، از چهل متری چطور زدند؟ می گوید سنگ پرتاب کردند، آخر چرا دروغ می گویی؟ ای چقدر دروغ می گویند. دروغ روی منبر؟ دروغ پای منبر؟ دروغ شب عاشورا؟

در روز ششم محرم «حبیب بن مظاهر اسدی» به امام حسین (ع) عرض کرد: یابن رسول الله! در این نزدیکی طائفه‌ای از بنی اسد سکونت دارند که اگر اجازه دهی من به نزد آنها بروم و آنها را به سوی شما دعوت نمایم. امام (ع) اجازه دادند. شبانگاه نزد آنها رفت و گفت: بهترین ارمغان را برای آنان آورده‌ام، شما را به یاری پسر رسول خدا دعوت می کنم، او یارانی دارد که هر یک از آنها بهتر از هزار مرد جنگی است و هرگز او را تنها نخواهند گذاشت. شما را به این راه خیر دعوت می نمایم. سپس مردان قبیله که تعدادشان به ۹۰ نفر می رسید بر خاستند و حرکت کردند. در این میان مخفیانه عمر بن سعد را آگاه کردند و او مردی بنام «زرق» را با ۴۰۰ سوار به سویشان فرستاد. آنان با یکدیگر درگیر شدند، در حالی که فاصله چندان با امام حسین (ع) نداشتند. هنگامی که یاران بنی اسد دانستند تاب مقاومت ندارند، در تاریکی شب پراکنده شدند و به قبیله خود بازگشتند و شبانه از محل خود کوچ کردند که مبادا عمر بن سعد بر آنان بتازد. حبیب بن مظاهر به خدمت امام (ع) آمد و جریان را بازگو کرد. امام (ع) فرمودند: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

پیامک

زره اندازه نشد پس کفش را دادند

کم ترین سهمیه از سهم تنش را دادند



من که از عشق حسین غرق ملال و محنم

من مسلمان شده‌ی دست امام حسنم

قاصد محرم

.... مسابقه

کدام قبیله در روز ششم محرم از کمک به امام حسین (ع) بازماندند؟ پاسخ خود را به نشانی زیر ایمیل کنید info@farhangnews.ir